

گشایش «دوره» بیان»

دکتر شاپور راسخ*

برای این بنده کمترین افتخاری بزرگ است که به نمایندگی از هیئت مشاورین قاره اروپا مقدم شما عزیزان را به این دوره از انجمن ادب و هنر ترحیب و تهنیت گویم و به کمال فروتنی از درگاه والای جمال اقدس ابهی مسئلت کنم که «دوره» بیان» که به ذکر جمیل حضرت اعلی، نقطه اولی، الّتی تدور حولها ارواح النّبیین و المرسلین آراسته شده و به شرح برخی از آثار پر اسرار آن حضرت زیب و زیور یافته به پیروزی کامل و خشنودی خاطر شما یاران نازنین همراه و قرین گردد. ششمین مجمع ادب و هنر به هنگامی برگزار می‌شود که یکصد و پنجاه سال تمام از طلوعه ظهور جدید بسر آمده و به تأثیر کلمه، خلاقه، دو مظهر مقدّس الهی، این امر معظّم به عنوان یکی از گسترده‌ترین ادیان عالم، بیرق وحدت انسانی را در سراسر کره خاک برپا داشته است. اگر اکثریت مسلمانان از درک علو مقام و بزرگی و والائی مأموریت و قدرت و عظمت آثار حضرت باب یعنی امام زمان و مهدی منتظر و قائم موعود بازمانده‌اند باید از روی صداقت اذعان کنیم که بسیاری از ما بهائیان نیز از آن حضرت معرفتی بس ناقص داریم و اگر رساله بی‌مانند دور بهائی و دیگر تبیینات هدایت‌بخش ولایت امر الهی در کار نبود چه بسا که رتبه آن حضرت را با مرتبت یحیای معمدانی برابر می‌نهادیم و مشتبه می‌کردیم. از این رو سزاوار است که هم در دقائق نخست از این دوره، انجمن، مجملی در باره عظمت مقام و شرف مأموریت و اهمّیت آثار آن حضرت سخن رود هرچند که وصف ما و بحث ما از آن حضرت مصداق «ما للتراب و رب الارباب» است. بقول سنائی :

به گنه ذاتش خرد برد پی اگر رسد خس به قعر دریا

در بزرگی و والائی پایگاه حضرتش همین بس که جمال قدم جلّ ذکره الاعظم بارها از ظهور آن حضرت به عنوان «ظهور قبلم» یاد کرده‌اند و در مورد مرتبه و منزلت آن حضرت فرموده‌اند که :

* در جلسه افتتاحیه «دوره» بیان» ایراد شد.

« قدرش اعظم از کلّ انبیاء و امرش اعلی و ارفع از عرفان و ادراك کلّ اولیاء است. » مضاف بر این، آنچه در نبوّات کتب مقدّسه، قبل در باره، یوم آخر آمده همواره اشاره‌ای نیز به وجود مسعود و ظهور خجسته، آن حضرت دارد و در نتیجه تجلّی ذات اقدسش را نه فقط به عنوان موعود معهود اسلام مطرح باید کرد بلکه موعود و مقصود همه ادیان گذشته باید محسوب داشت. به زبان دیگر در آن ذات قدسی و هیکل عرشی تنها مبشّر ظهور اعظم افخم من ینظره الله را جستجو نباید کرد و آثار پهناور آن حضرت را تنها به اشارت و بشارت در مورد موعود کلّ ام و نحل محدود نباید شمرد. حضرت سیّد علی محمد باب معروف به ربّ اعلی و نقطه، اولی که در آثار الهی به لقب ممتاز «سلطان الرّسل» ملقب گردیده‌اند صاحب رسالتی مستقلّ و شریعتی مجرّی بودند و ناسخ قوانین فرقان و بنیادگذار احکام جدید و مؤسّسات و مشروعات تازه که بسیاری از آنها احیاناً با اندکی جرح و تعدیل مورد قبول و تصدیق من ینظره الله حضرت بهاء‌الله واقع شده و از جمله عدّه کثیری از حدود و مقرّرات مذکور در بیان، در کتاب مستطاب اقدس که امّ الکتاب این امر مقدّس است نیز پذیرفته آمده است.

جلوه دیگری از مقامات عالیّه، آن حضرت را در عظمت مأموریت حضرتش باید جستجو کرد که از جمله تفسیر و تشریح متشابهاات و رموز و اسرار کتب مقدّسه، سابقه و خصوصاً قرآن مجید بوده و از این بابت آثار آن حضرت را می‌توان زمینه ساز و راه گشای نزول ایقان شریف دانست و شاید از همین جهت باشد که کتاب ایقان را متمّم و مکمل آثار نقطه، بیان جلت عظمتها تلقی نموده‌اند. به عبارت دیگر نهالی که به دست حضرت اعلی کاشته شد با ظهور جمال مبارک به ثمر شیرین خود رسید.

ناگفته نماند که اگر تفاسیر مبارکه، حضرت ربّ اعلی نبود و پرده از غوامض قرآنی چون حشر و نشر و بعث و قیامت و صراط و میزان و جنّت و نار و رجعت و مانند آن بر نمی‌داشت بی‌گمان این همه آمادگی در هزارها هزار نفوس عالم و عامی برای استقبال و سرسپردگی به ظهور ثانوی یعنی تجلّی حسینی و رجعت مسیحائی پدیدار نمی‌شد و جامعه، غفلت زده و جهالت گرفته، آن روز ایران به مظهر ظهوری که بلافاصله پس از بعثت نهائی خویش در زندان طهران به خارج مرزهای کشور تبعید شد و تا پایان عمر در سرگونی و سرگشتگی زیست مشتاقانه و گروه‌ها گروه نمی‌گروید.

داستان بعثت محمدی و حکایت بت‌شکنی آن حضرت را شنیده‌اید. می‌توان گفت که حضرت نقطه، اولی با قدرتی عظیم‌تر و سطوتی شدیدتر تیشه، سخن بر گرفتند و بر ریشه، اوهام و خرافات رائج زمان خود زدند و بساط ملّایان را که بناحق مدعی وساطت میان خدا و خلق او شده بودند به یک باره در هم ریختند. و البتّه با قدرتی که سلسله مراتب روحانیون قشری محافظه کار در آن روزگاران در دست داشتند و در نتیجه هر نوع آزاداندیشی و پیشرفت فکری را در جامعه، آن روز متوقف کرده بودند این بت‌شکنی کار آسانی نبود.

بر این فزونتر باید گفت که در آثار آن حضرت به آنچه امروز از مظاهر تمدّن و تجدد می‌دانند نظیر تعلیم و تربیت پسران و دختران و ارتقاء و اعتلاء مقام زنان و تشویق مردم شرق به آشنائی

با فنون و صنایع غرب و تهییج ذوق و شوق کمال‌طلبی در همه امور و میل به آبادانی و بهبود زندگی صوری توجهی شایان مبذول شده، درست بر خلاف نظر مغزهای متحجری که در آن زمان به لعن و طعن و طرد و ردّ ترقیّات مادّی اروپائیان مشغول بودند، نفوسی که هنوز بازماندگان نشان همان دعاوی واهی را به نام پیکار با غرب‌زدگی و استغناء از آنچه خارج از دایره اسلامی است عنوان می‌کنند. در کتاب چهار شأن بیانی به این مضمون فرموده‌اند که در این عالم هر چیزی باید با وسائل و اسباب خودش ایجاد گردد. مانند آنکه اروپائیان با فراهم نمودن وسائل و اسباب مظفر و غالب شده‌اند شما نیز پیروی از آنها کنید و در امور خود با وسائل و اسباب، از جمله دست یافتن به صنعت و فنّ به پیروزی رسید و منتظر امور غیبیه، موهومه مباشید. (باب هفدهم از واحد دهم).^۱

بر پایه آنچه رفت می‌توان گفت که حضرت نقطه اولی با جمال اقدس ابهی نه فقط در تأسیس دور جدید یعنی دور بهائی شریک و سهیم بوده‌اند بلکه بخشی از ویژگی‌های تمدّن جدیدی که باید در ظلّ قیادت مظهر کَلّی الهی جمال اقدس ابهائی بوجود آید در آثار حضرتش انعکاس یافته است. منجمله توجه خاصّ به طهارت و نظافت و زیبایی و لطافت و صنایع ظریفه از جمله خطّ و خوشنویسی و توصیه در اینکه هر چیز را باید به منتهی درجه کمال آن رساند که کمال هر چیز بهشت اوست و تأکید در اهمّیت نظم و ترتیب که نه فقط در باره خانه بلکه در مورد بازار و کوی و شهر و ده باید مصداق پیدا کند و ارج گذاشتن پیشه‌ها و صنایع که آن هم باید همیشه به اکمل صورت و اعلی کیفیت عرضه شود و نیز تحذیر از مصرف تریاک و مسکرات و تنباکو و اشباه آن و بسیار دستورهای مشابه که بحث در آنها سخن ما را به درازا می‌کشد اما لااقلّ امکان این استنتاج را می‌دهد که فی الحقیقه این دو ظهور به حکمت الهی که سرّ آن بر خلق مکتوم و مستور است نه فقط متوالی و متعاقب هم بوده‌اند بلکه باید مکملّ و متمم یکدیگر نیز تلقی شوند.

شبهه نیست که مأموریت حضرت اعلی به مردم عالم و عامی در پهنه مشرق زمین محدود نمی‌شده است. همچنان که جمال اقدس ابهی به برخی از ملوک و سلاطین زمان خود خطابات مخصوصه فرمودند و ضمناً مجمع ملوک را مورد خطاب قرار دادند و از جمله به عدل و انصاف و صلح و سلام و رعایت حدود الهی دعوت نمودند حضرت اعلی نیز خطاب‌هایی به عامّه پادشاهان و امیران دارند از جمله در صحیفه الاحکام که طیّ آن نظائر همان اصول مملکت‌داری مورد تأکید و تأیید واقع شده است:

«کتب علی من یکن سلطان فی البیان ان یعمل بالعدل و لا یتجاوز عن حدود اللّه. ذلک من کتاب الامر. ان اتقوا اللّه و لا تعتدون.» علاوه بر این، ابلاغات مهمیمنه‌ای از آن حضرت خطاب به سلطان زمان محمد شاه قاجار و وزیر اعظم حاجی میرزا آقاسی عزّ صدور حاصل کرده که نه فقط معرفّ عظمت رسالت آن حضرت است بلکه بطور ضمنی بشارت گسترش این امر الهی را در سرزمین‌های دیگر نیز در بر دارد. منجمله آنجا که خطاب به معشر ملوک فرمودند:

«بلغوا آیاتنا الی التّرك و ارض الهند... و ماوراء ارضها من مشرق الارض و غربها...»^۲
 حضرت ربّ اعلی نقطه اولی نه فقط بشارت به نظم بدیع حضرت بهاء اللّه دادند بلکه به

فرموده، حضرت ولیّ امرالله احکام و حدود و مشروعات مصرّحه در کتاب بیان آن حضرت « حدّ فاصل و حلقه، ارتباط بین انظمه، سالفه و مشروعات و مؤسّسات بدیعه، نظم جهان‌آرای الهی محسوب می‌شود.» به زبان دیگر گفته شود ظهور مقدّس آن حضرت نقطه، تلاقی دو کور عظیم الهی است، کور آدم که با قیام مبارکش پایان می‌گیرد و کور افخم اقدس بهائی که به ظهور آن حضرت مفتوح می‌شود و بی‌گمان قرن‌های بسیار ادامه خواهد یافت. و به يك اعتبار لقب نقطه، اولی اشاره به همین حقیقت است که ظهور آن حضرت را سرآغاز يك مرحله، طولانی از تاریخ باید تلقی کرد و بی‌گمان از همان نقطه، نخستین حروف، کلمات و عبارات تامّه برخاسته و برخواهد خاست و جهان بشریت را به تمدنی تازه خواهد آراست.

جلالت و عظمت ظهور و مأموریت حضرت باب را از این چند عبارت کتاب قرن بدیع می‌توان بهتر استنباط نمود آنجا که حضرت ولیّ امرالله فرموده‌اند: «در اثر ظهور مبارکش، قوای خلّاقه، عظیمه که به استعانت انوار فائضه از ظهور متعاقبی اجلّ و اعظم از آن، تقویت و تشیید حاصل نموده به حرکت آمد و استعداد و قابلیت لازم برای تأسیس وحدت اصلیه در بین بریه و نیل عالم انسانی به رتبه، بلوغ و ارتقای آن به اعلیٰ ذروه، ترقی و کمال در عالم امکان حاصل گردید.»^۳ حال اگر از دیده جامعه شناسان بنگریم باید بگوئیم که آئین حضرت باب فی الحقیقه بزرگترین حرکت روحانی و اجتماعی بعد از جنبش اسلام بود که جامعه، ایران را به لرزه درآورد و از خواب دیرین جهل و تعصّب و غفلت بیدار کرد، دیانتی که تمدن را با تدین دوباره آشتی داد و علم و آگاهی را با معنویت و روحانیت سازش بخشید.

اما عظمت آثار آن حضرت: اگر کتاب را چنان که خود حضرت ربّ اعلی در رساله، دلائل سبعة فرموده است اعظم حجّت و اتمّ برهان آن حضرت بدانیم، باید صریحاً بگوئیم که حضرتش اولین پیامبر الهی بود که شخصاً از خطّ و سواد بهره داشت و خود توقیعات مبارکه، بسیار به خطّ زیبای خویش تحریر فرمود و به یادگار نهاد و سرعت قلم زدن آن حضرت به هنگام نزول کلمات به دو زبان فارسی و عربی به حدی بود که موجب اعجاب همه، ناظران واقع می‌شد و چنان که خود در کتاب مستطاب بیان فرموده «در عرض پنج ساعت هزار بیت از نزد او ظاهر می‌گردد یا به اسرع طوری که کاتب نزد او بتواند تحریر نماید آیات الله را قرائت می‌نماید.» به فرموده، حضرت بهاءالله جلّ اسمه الاعلی «انبیای اولو العزم که عظمت قدر و رفعت مقامشان چون شمس واضح و لائح است مفتخر شدند هر کدام به کتابی که در دست هست و مشاهده شده و آیات آن احصاء گشته و از این غمام رحمت رحمانی این قدر نازل شده که هنوز احدی احصاء ننموده.»^۴

در اینجا کافی است به سخن یکی از مجتهدان شهیر اصفهان استناد کنیم که به هنگام نزول تفسیر سوره، والعصر در منزل امام جمعه، اصفهان حاضر بود، نامش ملاّ محمد تقی هراتی، و وقتی لطافت صوت و قوت بیان حضرتش را به هنگام تحریر سریع شنید بی‌اختیار فریاد برآورد که این کلمات بی‌مثیل و نظیر است و بدون تأیید الهی و الهام خداوندی هیچ کس نمی‌تواند مثل این بزرگواری در مدتّ قلیل این همه آیات که معادل ربع یا ثلث قرآن است در نهایت فصاحت و بلاغت بنویسد.^۵

چون مجلس محفل ادباست باید اجمالاً عرض کنم که سبک سخن فارسی آن حضرت هرچند غالباً عاری از صنایع و بدایع لفظی است و احیاناً به نظر برخی کسان خشک و ثقیل جلوه می‌کند اما دارای قدرت و انسجام و استحکام خاصی است که شکوه و هیمنه، آن بی‌گمان با کلام خلق مشتبّه نمی‌شود.

توجه شما را به عبارتی چند که از ابتدای دلائل سبعه گرفته شده، رساله‌ای که به فرموده حضرت ولی‌امرالله «از مهم‌ترین آثار استدلالی آن حضرت شمرده شده و دارای بیانی فصیح و تبیینی بلیغ و مضامینی بدیع و براهینی متقن و متین است» جلب می‌کنم:

«... سازج کلام و جوهر مرام آنکه شبه‌های نبوده و نیست که خداوند لم یزل به استقلال استجلال ذات مقدس خود بوده و لایزال به استمناع استرفاع کُنه مقدس خود خواهد بود. شناخته است او را هیچ شیئی حقّ شناختن و ستایش ننموده او را هیچ شیئی حقّ ستایش نمودن. مقدس بوده از کلّ اسماء و منزه بوده از کلّ امثال. و کلّ به او معروف می‌گردد و او اجلّ از آن است که معروف به غیر گردد. و از برای خلق او اولی نبوده و آخری نخواهد بود که تعطیل در فیض لازم آید. به عدد آنچه ممکن است در امکان از عدد خلق، ارسال رسل و انزال کتب فرموده و خواهد فرمود.»

این عبارات مبین دو نکته اساسی است: عمق معنای کلام که گاه از کاربرد لغات فراوان عربی که بعضاً هم رائج و متداول نبوده برای بیان مفاهیم دقیق و رقیق ابا ندارد و دیگر لحن منطقی و استدلالی که در بیشتر آثار آن حضرت ملاحظه می‌شود و آنها را از لحن بسیار لطیف و شعرگونه آثار اولیه جمال مبارک متمایز می‌کند. وقتی خواننده، مطلع با سبک خاص بیان حضرتش مأنوس شد دلپسته می‌شود و لذت می‌برد، لذتی که مستشرق موسوم به نیکلا به هنگام ترجمه آثار متعدد آن حضرت از جمله کتاب بیان بهره‌ی وافیه از آن برده است.

دوستان ارجمند و گرامی،

آنچه هیئت اجرائی انجمن ادب و هنر را به تأسیس این دوره یعنی «دوره بیان» واداشته همین بوده که دوستان در آفاق جهان آگاهی بیشتری به مقام و رسالت عظیم و آثار جلیل حضرت نقطه‌ی اولی حاصل کنند و از این طریق همگی در تجلیل و تعزیز یکصد و پنجاهمین سال مبعث آن وجود قدسی سهمی بسزا دارا شوند و سرانجام این آگاهی و وجد و حال و شوریدگی را به سایر دوستانی که توفیق حضور در این جمع را ندارند انتقال دهند و بی‌گمان یکی از نتایج این اجتماع فرخنده آن خواهد بود که عده‌ی بیشتری از دوستان گرامی در تبرعات مخصوص مقام اعلی و تأسیسات و ابنیه، حول و حوش آن شرکت جویند، مقام مقدسی که به ظاهر ظاهر هم چون نقطه، پرگاری است که همه، مؤسّسات بین‌المللی اداری امر بهائی بر گرد آن دائر و سائر است.

این گفتار مقدماتی در این مجلس محترم و دوره، فرخنده‌فال را نمی‌توانم به آخر رساند مگر آنکه ذکری مجمل از دو دوست دانشور و ادب‌دوست و فرهنگ‌پرور شود که امسال جایشان در میان ما خالی است یعنی جنابان ایرج و لیلی ایمن که بی‌گمان سهمی نمایان در پیشرفت آکادمی لندگ و این انجمن داشته‌اند. همچنان که قلب آن عزیزان در گرو مهر و محبت شما دوستان است شایسته

است که بنده هم به نمایندگی همه شما دعای خیری از پی ایشان فرستم و اگر بخت یاری کند پیام اشتیاقی به امضای این مجمع روانه سرزمین ایشان کنیم.

عرائض خود را به کلماتی چند از کتاب بیان فارسی زینت می‌دهم که شاهدی بر عظمت ظهور و جلالت آثار آن حضرت است آنجا که فرمود:

«امروز هیچ عملی انفع از برای عبد نیست که بطور انصاف نظر در آیات بیان نموده که حقیقت حق را به عین یقین مشاهده نماید تا آنکه از لقاء مظهري که لقای او لقاء الله است و رضای او رضاء الله هست محتجب نماند زیرا که کلّ خلق شده‌اند از برای همین.»

یادداشت‌ها

- ۱- از کتاب آئین باب که یکی از بابیان به امضای ع. ف. تألیف کرده و ظاهراً در سال ۱۳۲۳ شمسی در اصفهان به طبع رسانده است. (صص ۶۸-۶۹).
- ۲- منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی عزّ اسمہ الاعلی، طهران، ۱۳۴ بدیع، ص ۲۸- کتاب قرن بدیع، دانداس، ۱۹۹۲، ص ۴۶، به نقل از تفسیر احسن القصص.
- ۳- کتاب قرن بدیع، دانداس، ۱۹۹۲، صص ۱۴۵-۱۴۶.
- ۴- کتاب ایقان، لانکنهین، ۱۳۶ بدیع، ص ۱۶۸.
- ۵- تاریخ نبیل، ص ۱۹۲.